



نفوذ بوستان در شاهنامه

دکتر جلال خالقی مطلق

چکیده

شاهنامه فردوسی از نظر لفظ و محتوی و موضوع حکایات و برداشتها و بینشها و مضامین اخلاقی بر آثار سعدی و به‌ویژه بر بوستان او تأثیر بسیار بزرگی گذاشته است. این امر در ضبط ابیاتی از شاهنامه فردوسی در چاپ کلکته روی داده است که به جای برخی از ابیات فردوسی از ضبط ابیات بوستان سعدی استفاده شده است همچون ماجرای سلم و تور و ایرج و ... که در ادامه مقاله بدان پرداخته شده است.

کلیدواژه: شاهنامه، فردوسی، بوستان، سعدی

کسانی که شاهنامه فردوسی و آثار سعدی را با دقت مطالعه کرده‌اند، دریافته‌اند که شاهنامه فردوسی از نظر لفظ و محتوی و موضوع حکایات و برداشتها و بینشها و مضامین اخلاقی بر آثار سعدی و به‌ویژه بر بوستان او تأثیر بسیار بزرگی گذاشته است، ولی آنچه تاکنون کسی به آن نرسیده است، عکس آن، یعنی نفوذ بوستان بر شاهنامه است؛ چرا که میان درگذشت فردوسی و تولد سعدی دو قرن فاصله است. بنابراین چگونه ممکن است بوستان در شاهنامه نفوذ کرده باشد؟ ولی در ایران هیچ امری ناممکن نیست:

در شاهنامه در سرگذشت ایرج آمده است که پس از آنکه برادران او سلم و تور از اینکه فریدون در تقسیم گیتی، بهترین بخش آن، یعنی ایران را به ایرج داده است، کینه برادر را به دل می‌گیرند، ایرج با وجود مخالفت پدر نزد برادران می‌رود تا از آنها دلجویی کند و بگوید که حاضرست از سهم خود به سود آنها چشم‌پوشی کند، ولی غافل از اینکه آنها نقشه کشتن او را کشیده‌اند و سلم که بزدل ولی زیرک است، تور را که دلیر ولی ابله است، چندان بر ضد برادر می‌شوراند که سرانجام تور با دشنه به

برادر حمله‌ور می‌گردد و خون برادر را می‌ریزد. هنگامی که تور به ایرج حمله می‌کند، از زبان ایرج در چاپ کلکته آمده است:

میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل که خواهد که موری شود تنگدل

بیت دوم از فردوسی نیست، بلکه از بوستان سعدی است. سعدی در بوستان در باب دوم می‌گوید (تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۵۹، بیت ۱۳۳۰ - ۱۳۳۳):

چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
سیاه اندرون باشد و سنگدل که خواهد که موری شود تنگدل
مزن بر سر ناتوان دست زور که روزی به پایش درافتی چو مور

(سعدی، ۱۳۵۹: ۸۷)

از این بیت‌ها سعدی تنها بیت دوم را از شاهنامه گرفته و بعد خود در دنباله سخن فردوسی، دو بیت دیگر در همان موضوع افزوده است، ولی، در دستنویس‌های متأخر شاهنامه بیت سوم را از بوستان گرفته و در درون شاهنامه کرده‌اند. و اما آن بیتی هم که سعدی واقعاً از شاهنامه گرفته، خود دارای ضبط‌های گوناگون است. در بوستان سعدی به‌همین صورتی است که در بالا نقل شد و بر طبق تصحیح مصحح در دستنویس‌های بوستان، نسخه بدل ندارد. در شاهنامه این بیت در دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ هجری اصلاً نیامده است و در دستنویس‌های دیگر هم متفاوت آمده است:

۱. در دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴ و لندن مورخ ۸۹۱ و استانبول مورخ ۹۰۳ در هر دو مصرع با صورت آن در بوستان اختلاف دارد:

مکش مورکی را که روزی‌کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است

۲. در دستنویس‌های استانبول مورخ ۷۳۱ و قاهره مورخ ۷۴۱ مصرع نخستین به‌گونه‌ای است که در بوستان آمده و مصرع دوم به‌گونه‌ای که در آن سه دستنویس دیگر آمده و در زیر شماره ۱ از آنها یاد شد:

میازار موری که دانه‌کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است

۳. در دستنویس لنینگراد مورخ ۷۳۳ و پاریس مورخ ۸۴۴ و دستنویس بی‌تاریخ بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی (از ثلث نخستین سده هشتم) مصرع نخستین با اختلاف کوچکی (دانه به جای روزی) به‌گونه‌ای است که در دستنویس‌هایی که در زیر شماره ۱ از آنها یاد شده آمده است و در مصرع دوم به‌گونه‌ای که در بوستان آمده است:

مکش مورکی را که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

۴. در دستنویس‌های قاهره مورخ ۷۹۶ و لیدن مورخ ۸۴۰ و لندن مورخ ۸۴۱ و واتیکان مورخ ۸۴۸ و لنینگراد مورخ ۸۴۹ و آکسفورد مورخ ۸۵۲ و برلین مورخ ۸۹۴ در هر دو مصرع عیناً به‌گونه‌ای است که در بوستان آمده است:

میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

چنان‌که می‌بینیم در دستنویس فلورانس که مورخ ۶۱۴، یعنی زمان کتابت آن پیش از بوستان سعدی (تألیف ۶۵۵) است، این بیت در هر دو مصرع به‌گونه‌ای دیگرست، ولی پس از آن در دستنویس‌هایی که تاریخ کتابت آنها پس از بوستان سعدی است، صورت این بیت به آنچه در بوستان آمده است، نزدیک‌تر می‌شود. نخست در برخی از دستنویس‌ها (شماره ۲) تنها در مصرع نخستین و در برخی از دستنویس‌ها (شماره ۳) تنها در مصرع دوم برابر صورت آن در بوستان است، ولی سپس در دستنویس‌هایی که به نسبت جوان‌ترند (شماره ۴) در هر دو مصرع با صورت آن در بوستان یکی است. آیا از این وضعیت چه باید نتیجه گرفت؟

اگر ضبط دستنویس فلورانس را دستنویس‌های لندن مورخ ۸۹۱ و استانبول مورخ ۹۰۳ - که اگرچه با دستنویس فلورانس از یک گروه‌اند، ولی با آن خویشاوند نزدیک نیستند و اگرچه هر دو جوانند، ولی جزو دستنویس‌های بسیار معتبر شاهنامه به‌شمار می‌روند، - دقیقاً تأیید نمی‌کردند و همچنین پنج دستنویس دیگر در یکی از دو مصرع با ضبط دستنویس فلورانس همخوانی نداشتند و ضبط دستنویس فلورانس به‌کلی منفرد می‌بود، نمی‌توانستیم به اصالت ضبط در دستنویس فلورانس رأی بدهیم، به‌ویژه اینکه شواهد فراوانی هست که ثابت می‌کنند بیشتر ضبط‌های منفرد این دستنویس اصلی نیستند، ولی در وضعیت فعلی باید چنین نتیجه گرفت که ضبط اصلی، ضبط دستنویس فلورانس است و به‌احتمال بسیار، سعدی در بوستان در بیت

فردوسی تصرف کرده است و سپس هرچه از زمان سعدی دورتر می‌شویم و به موازات آن به شهرت آثار او افزوده می‌گردد، صورتی که او گفته بوده، شهرت عام می‌یابد و کم‌کم به دست کاتبان، جانشین بیت فردوسی می‌شود، نخست یکی از دو مصرع و سپس همه بیت و باز سپس‌تر در دستنویس‌های جوان‌تر، چنان‌که شرح آن در آغاز این گفتار رفت، یک بیت پس از آن را هم از بوستان گرفته و در شاهنامه کرده‌اند. فردوسی گفته است:

مکش مورکی را که روزی کش است که او نیز جان دارد و جان خوش است
و سعدی در آن تصرف کرده است:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است*

* برگرفته از نشریه/ایران‌نامه، مجله تحقیقات ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۶۴، ص ۶۲۴.

منابع

۱. سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۵۹). بوستان سعدی «سعدی‌نامه»، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). شاهنامه، پیرایش جلال خالقی‌مطلق، تهران: سخن.